

کتاب «ادیان ما» ویراسته آرویند شرما، در هفت فصل به معرفی هفت آیین بزرگ جهان می پردازد: آیین هندویی (نوشته آرویند شرما Arvind Sharma)، آیین بودایی (نوشته ماساتو اِب Abe Masao)، آیین کنفوسیوس (نوشته تو وی . مینگ Tu wei - ming)، آیین تائو (نوشته لیو زیانوگان Liu Xiaogan)، یهودیت (نوشته یاکوب نوسنر Jacob Neusner)، مسیحیت (نوشته هاروی کاکس Harvey Cox)، و اسلام (نوشته سید حسین نصر

Seyyed Hossein Nasr). آنچه این کتاب

را از دیگر کتب مشابه متمایز می سازد این نکته مهم است که هر آیین توسط فردی صاحب نظر و در عین حال مومن به همان آیین معرفی شده است. سرآغاز کتاب، این جملات و. ب. کریستسن (Kristensen W. B.) است که: «فراموش نکنیم که هیچ واقعیت دینی جز باور مومن بدان دین وجود ندارد. اگر واقعا می خواهیم دین را درک کنیم باید منحصر به شهادت این مومن رجوع کنیم. آنچه در باب ماهیت یا ارزش دیگر ادیان از دیدگاه خود معتقد می شویم شهادتی معتبر برای اعتقاد خود ما، یا درک خود ما از ایمان دینی است؛ اما اگر نظر ما در باب دینی دیگر با نظر و ارزیابی مومنان بدان دین متفاوت باشد دیگر درباره دین آنان سخن نمی گوئیم. ما از واقعیت تاریخی کناره گرفته و فقط دلمشغول خود شده ایم.» (IX). شرما در مدخل کتاب می گوید: «شاید هیچ کتابی در باب ادیان جهان نتواند آخرین یا نهایی باشد، امامی تواند بی همتا باشد. این کتاب چنین است. این کتاب به چند وجه بی همتاست. بی همتاست چون هر نویسنده به همان سنتی تعلق دارد که در باب آن می نویسد، او نه تنها از سنت خویش سخن می گوید، بلکه حضورش در صحنه او راقدر می سازد تا به سود سنت خود سخن راند. به علاوه، ایستاده بر لبه بران سنت در مواجهه با تجدد، می تواند به مسائل جدید پیشاروی سنت خویش بپردازد. بدانگونه که دیگران پیش از این به ندرت بدان پرداخته و بسیار کمتر در این باب توفیق یافته اند. و سرانجام این واقعیت که تمامی این سخنگویان از حوزه مطالعات دانشگاهی (academic) بدانگونه که در غرب شکل گرفته است درباره سنت خویش می نویسند کارشان را بیش از پیش بی همتا می سازد. (XI).

به هر روی، طی هفت شماره به معرفی هر یک از فصول کتاب خواهیم پرداخت و اطلاعاتی جامع و کلی در باب آن در اختیار خوانندگان محترم قرار خواهیم داد. یادآور می شود سبک نگارش، عینا روایت تلخیص شده دیدگاههای نویسندگان است و بدیهی است این دیدگاهها در برخی موارد با مبانی اعتقادی اسلام سازگاری ندارد.

## هفت آیین بزرگ جهان

معرفی کتاب

# ادیان ما

یهودیت به روایت یاکوب

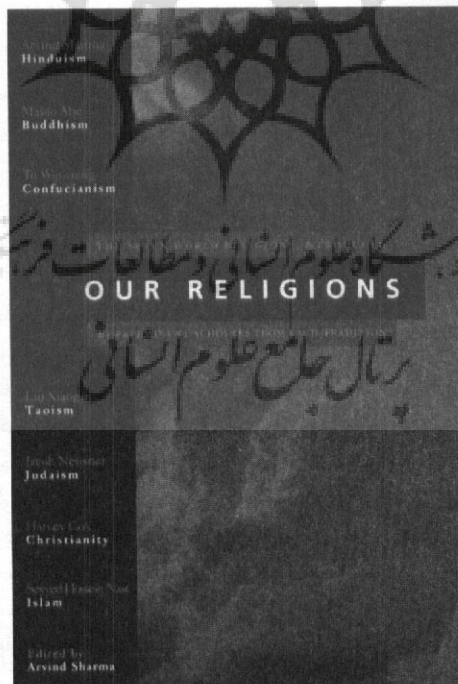
نوسنر

فصل پنجم از کتاب ادیان ما، که به معرفی یهودیت می پردازد، به طور کلی در ۹ بخش بدین ترتیب سامان یافته است: تعریف یهودیت، ارتباط قومی و دینی در یهودیت، مشکل «غیریت» و تعریف یهودیت، شکل گیری یهودیت، یهودیت تورات دوگانه، نگاهی اجمالی به تاریخ یهودیت، یهودیت جهان معاصر، یهودیت چگونه در جهان امروز کارایی دارد و قدرت و موفقیت یهودیت.

این بخشهای اصلی، مجموعاً ۳۵ عنوان فرعی را در خود جای داده اند.

نخستین بخش با بیان اینکه حدود ۵/۷ میلیون یهودی در آمریکای شمالی، نزدیک به ۴/۴ میلیون در اسرائیل، قریب به ۱/۶ میلیون در شوروی سابق، بیش از ۱ میلیون در اروپای غربی، و شاید مجموعاً حدود ۱۳ میلیون یهودی در جهان زندگی می کنند که پس از کشورهای یاد شده بیشتر آنان در کانادا، آرژانتین، آفریقای جنوبی و برزیل به سر می برند، و با برشمردن اشکالهایی که در تعریف «یهودی» با معیارهای قومی، دینی، پرهیز غذایی، و رفتارهای خاص با دیگران وجود دارد بدان جهت که توجه به هر یک از این معیارها بخشهایی عمده یا جزئی از متدینان بدین دین را از تحت شمول «یهودیت» خارج می سازد، می کوشد تعریفی از یهودیت به دست دهد. در آمریکای شمالی و کانادا دست کم چهار شکل سازمان یافته از یهودیت وجود دارد: راست کیش (Orthodox)، اصلاح طلب (Reformist)، محافظه کار

علیرضا هدائی



- Our Religions
- Edited by Arvind Sharma
- Harper Collins Publishers
- New York, 1995

(Conservative) و نوسازی‌گرا (Reconstructionalist).

یهودیت راست کیش بدین طریق نص گرایانه باور دارد که خداوند تورات را اعطا کرده است: هم تورات مکتوب (یعنی «عهد عتیق» به اعتقاد مسیحیان) و هم تورات شفاهی (یعنی سنن مکتوب که پس از سال ۷۰ میلادی و تخریب نهایی معبد، به دست خاخامها نوشته شد).

یهودیت اصلاح طلب بر تغییر تاکید دارد و معتقد است که تورات، بیانگر اصول ازلی به زبانی تاریخی است و در نتیجه می تواند برای پاسخگویی به شرایط جدید تغییر داده شود و این یهودیت، بسیاری از بخشهای تورات اصلی را دیگر «مربوط» تلقی نمی کند.

در برابر، یهودیت محافظه کار موضع خدادادی تورات را تایید می کند در حالی که برای تغییر نیز جایگاهی قابل است. یهودیت نوسازی گرا این باور را به مثابه تمدن دینی تاریخی یهودیان می بیند و خداوند را با واژههایی طبیعی و نه فوق طبیعی تعریف می کند. یعنی متاخرترین یهودیت، از عقیده تورات به عنوان متن موثقی که از جانب خداوند وحی شده بسیار بسیار دور شده است. به علاوه، گرچه در دولت اسرائیل فقط یهودیت راست کیش به رسمیت شناخته می شود، خود یهودیان راست کیش اسرائیل نیز به گروههای مختلف تقسیم شده اند؛ بنابراین باید زیر گروههای یهودیت راست کیش را نیز در نظر داشته باشیم. تمامی یهودیان راست کیش بر اعتبار خدادادی تورات تاکید دارند (و بدین جهت راست کیشند)، اما در مورد اینکه چگونه تورات را تفسیر کنند و حتی اینکه چه کسانی باید آن را تفسیر و کاربردهای قوانین را تعیین کنند بایکدیگر اختلاف دارند.

قومیت یهودی نتیجه ای است که بدون شک از ملاحظه خانواده، ازدواج، به دنیا آوردن کودک، طبقه اجتماعی، سکونت، شغل، و آموزش در میان یهودیان و غیر یهودیان می توان گرفت و دریافت که یهودیان متمایز از دیگرانند؛ تمایزی جمعی که با شکل‌های یکپارچگی دینی و قومی تقویت شده است. این تمایز گرچه در همه جا یکسان نیست (مثلا خصوصیات یهودیان آمریکایی با خصوصیات یهودیان آفریقایی کاملاً یکسان نیست)، در میان هر جامعه ای کاملاً مشهود است و یهودیان هر مجتمع به وضوح از غیر یهودیان متمایزند. صرف نظر از قومیت، یهودیان رامی توان از وابستگی‌شان به یکی از گروههای دینی یاد شده، حضور مرتب یا گاه و بیگاه در کنیسه (گرچه برخی از یهودیان هیچگاه به کنیسه نمی روند) انجام دادن مناسک عبادی، رعایت پرهیزهای غذایی، و... مانند اینها باز شناخت. اما می توان با قاطعیت ادعا کرد که «غیریت» مشخصه اعمال عبادی، شرایط سیاسی، و

خصوصیات فرهنگی یهودیان است. به عنوان مثال، یهودیان تقسیم می شوند به کسانی که در دولت یهودی زندگی می کنند و کسانی که در آن دولت نمی زیند، کسانی که به یکی از یهودیت‌ها عملاً معتقدند و کسانی که چنین نیستند، کسانی که به یک طریق خاص به یهودیت عمل می کنند و کسانی که به طریق خاص دیگری آن را به کار می بندند. پس مشکل مطالعه یهودیت این است که باید به «غیریت» پرداخت و اختلاط مقولات متکثر - قومی و دینی - و یهودیت‌های متکثر را معنی بخشید و آنگاه بدین پرسش - که متوجه همه یهودیان است - پاسخ داد که: «یهودی کیست و این امر چه اهمیتی دارد؟» تا بتوان به ماهیت یهودیت (ها) و پیچیدگی یهودیان به مثابه یک هویت اجتماعی پی برد. با درهم تنیدن یهودیت قومی و یهودیت دینی، به یهودیت دست می یابیم.

**بخش دوم** با پیگیری مطالب بخش نخست و بیان وجود اختلافی تاریخی در مورد اینکه «چه کسی یهودی است» از زمانی که اسفار ختمه موسی به توسط عزرا شکل داده شد (۴۵۰ ق. م.) تا تشکیل دولت اسرائیل؛ و ذکر اینکه از دیدگاه یهودیت راست کیش دولت اسرائیل تنها کسانی که از مادری یهودی زاده شده‌اند یا کسانی که فقط به یهودیت راست کیش تغییر آیین داده‌اند یهودی‌اند؛ نیز بیان اینکه از یک سو به رغم آنکه اگر کسی به مسیحیت کاتولیک تغییر آیین دهد خود به خود اسپانیایی، ایتالیایی، یا برزیلی نمی شود یا اگر اپیسکوپالیایی (Episcopalian) شود گذرنامه انگلیسی دریافت نمی کند همین که کسی به یهودیت بگردد خود به خود یک یهودی - یعنی عضو همان گروه قومی معهود - خواهد شد و از سوی دیگر باید میان یهودیان (Jews) و متهودان (Judaists) کسانی که به شریعت موسی عمل می کنند) فرق گذاشت؛ نتیجه می گیرد که:

۱. یهودیت، یک دین (یا یک سلسله ادیان) است

و یهودیان یک گروه قومی‌اند.

۲. اگر کسی متهود، یعنی عمل کننده به شریعت موسی، باشد خود به خود یهودی، یعنی عضو گروه قومی یهودیان، نیز خواهد بود.

۳. دیر زمانی است - تقریباً در طول تاریخ مضبوط - که هر آنکه یهودی بوده متهود نیز بوده است.

**بخش سوم** به تعریف یهودیت و بیان مشخصه‌های آن می پردازد. یهودیت، دینی که از وحی الهی به موسی پدید آمد، همچون مسیحیت و اسلام دینی توحیدی است؛ با این تفاوت که عهد جدید مسیحیت را به رسمیت نمی شناسد، و با اعتقاد به بی همتا بودن نبوت موسی هیچگونه نبوتی را پس از او نمی پذیرد. البته بیان تفاوت‌های یهودیت با مسیحیت و اسلام

**در آمریکای شمالی و کانادا دست کم چهار شکل سازمان یافته از یهودیت وجود دارد: راست کیش (Orthodox)، اصلاح طلب (Reformist)، محافظه کار (Conservative) و نوسازی گرا (Reconstructionalist).**

**تورات می آموزد که غیریت یهودیان، سرنوشت آنان است: جدا بودن در اینجا و اکنون است، رستگاری در آخر الزمان خواهد آمد. بنابراین نگرانی یا عدم آسایش مبتنی بر غیریت به احساسی خوب و امیدوارانه تبدیل می شود: چیزها اکنون معنایی عمیق دارند، و ما در آینده حتی بیش از این اهمیت خواهیم یافت.**

قومیت یهودی نتیجه ای است که بدون شک از ملاحظه خانواده، ازدواج، به دنیا آوردن کودک، طبقه اجتماعی، سکونت، شغل و آموزش در میان یهودیان و غیریهودیان می‌توان گرفت و دریافت که یهودیان متمایز از دیگرانند: تمایزی جمعی که با شکلهای یکپارچگی دینی و قومی تقویت شده است اگر چه این تمایز در همه جا یکسان نیست (مثلاً خصوصیات یهودیان آمریکایی با خصوصیات یهودیان آفریقایی کاملاً یکسان نیست)

از تعریف یهودیت آسان تر است، زیرا همانگونه که گفتیم واژه یهودیت در مورد گونه‌های مختلفی از ادیان بسیار نزدیک به هم به کار می‌رود که گرچه در برخی اصول (از جمله احترام به تورات، که در لغت به معنای «وحی» است، اما اغلب به غلط «قانون» ترجمه می‌شود) مشترکند، در دیگر اصول متمایزند مثلاً یهودیان اصلاح طلب قوانین توراتی در خصوص سبت را رعایت نمی‌کنند و برخلاف دستور کتاب مقدس گوشت خوک می‌خورند، اما به هر حال می‌توان با توجه به نکات مشترک خصوصیات یهودیت را برشمرد. به طور کلی هر «نظام دینی» از سه مولفه تشکیل می‌شود: یک جهان بینی، یک طریقه زندگی، و یک گروه خاص اجتماعی. در نظام یهودی، یا «یهودیت»، تورات جهان بینی، قانون توراتی (halakha) طریق زندگی، و اسرائیل (قوم خدا) یا گروهی که اسرائیل را تشکیل می‌بخشد، گروه خاص اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

بخش چهارم، بیان شکل گیری یهودیت را برعهده دارد. اسفار خمسه موسی (پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثبیه) - که تمامی یهودیان را می‌توان با اعتقاد بدان باز شناخت - از آفرینش جهان و اینکه خداوند فرزندان ابراهیم، اسحاق، و یعقوب (که «اسرائیل» نیز نامیده می‌شود) را به عنوان «قوم خدا» شناخته است، سخن می‌گویند. چنانکه می‌دانید آن قوم به عنوان گروهی توصیف شده‌اند که در کنعان - سرزمین وعده داده شده به ابراهیم و ذریه‌اش و جایی که سرزمین اسرائیل خوانده خواهد شد - شکل گرفتند. آنان سپس به مصر رفتند، موسی ایشان را از اسارت مصر نجات داد، به سینا برد، و تورات بدیشان داده شد. تورات در بردارنده قواعد اداره کننده جامعه قدسی اسرائیل بود، و نیز عبارات آیینی اسرائیلیان در برابر خداوند و همچنین پرستش در معبدی که در آینده بنا می‌شد. در سال ۵۸۶ ق. م. معبد اورشلیم نابود شد، دولتمردان، ثروتمندان، هنرمندان و - کوتاه سخن - تمامی یهودیان قابل اعتنا از اورشلیم اخراج و در بابل (بین النهرین) جای داده شدند، به جای آنان اقوام دیگری در اورشلیم اسکان یافتند، و بدینسان ترکیب جمعیتی اورشلیم از یکدستی خارج شد. حدود «سه نسل بعد»، در اواخر قرن ششم پیش از میلاد، امپراتوری بابل توسط کورش سقوط کرد و یهودیان اجازه یافتند به سرزمین خود بازگردند - گرچه اندکی از آنان از این فرصت بهره گرفتند - چندی بعد، در اواسط قرن پنجم قبل از میلاد (۴۵۰ ق. م.) یکی از جانشینان کورش به نحیمیا (Nehemiah) و عزرا (Ezra) اجازه داد تا به اورشلیم بازگردند، با کمک دولت، معبد را دوباره بنا کنند، و دولتی یهودی تشکیل دهند. این دو حادثه به عنوان «تباعد و بازگشت» مطرحند و در بافت خود محتوایی اساطیری و متعالی دارند.

بخش پنجم به یهودیت تورات دوگانه (Judaism of the Dual Torah) (آنچه در سینا از دو طریق شفاهی و کتبی به موسی وحی شد) می‌پردازد. یهودیت تورات دوگانه، که تبیین کامل خود را در نوشته‌های حکمای سرزمین اسرائیل («سرزمین مقدس»، «فلسطین»)، در طی قرون چهارم و پنجم میلادی می‌یابد، موضعی جدالز تمامی یهودیت‌های متقدم اتخاذ می‌کند. آنچه این یهودیت را متمایز می‌سازد دقیقاً آموزه طریق دوگانه آن است که اراده خداوند نسبت به اسرائیل، که در تورات وحی شده در سینا آمده، به وسیله آن از زمانهای باستان تا امروز ادامه یافته است. این یهودیت مشخصاً معتقد است که وقتی خداوند تورات را در سینا به موسی وحی کرد آن را از طریق «نوشته» و «حافظه» منتقل ساخت، یعنی در عمل دو تورات وجود داشت: توراتی مکتوب، و توراتی انتقال یافته به گونه شفاهی که پیامبران بزرگ و آنگاه حکما آن را بر حافظه خویش سپردند و اکنون در کتب مقدس یهودیان عرضه شده است. جوهره تورات شفاهی در نوشته‌های اخامهای متقدم که کتابهای خویش را از حدود سالهای ۲۰۰ تا ۶۴۰ میلادی نوشتند وجود دارد. نخستین سند این تورات شفاهی، میشنه (Mishnah) بود، اصول قانونی فلسفی که در حدود سال ۲۰۰ میلادی شکل نهایی خود را یافت.

نوشته‌های بعدی که در طبقه بندی تورات شفاهی جای می‌گیرند عبارتند از: توسفتا (Tosefta = مجموعه ای از تکمله‌های قوانین میشنه)، تفسیری بر میشنه که در فلسطین تلونین و تلمود سرزمین اسرائیل (Talmud of the Land of Israel) خوانده شد (در حدود سال ۴۰۰ میلادی)، تفسیری دیگر بر میشنه که در جوامع یهودی بابل تدوین و تلمود بابل (Talmud of Babylonia) خوانده شد (در حدود سال ۶۰۰ میلادی)، و تفسیری بر تورات مکتوب که حکمای عصر آنها را نوشته‌اند (مثلاً سفری مبتنی بر لاویان، سفری مبتنی بر اعداد، سفری دیگر مبتنی بر تثبیه، و... مانند اینها). تمامی این دیگر اسناد، جز مخصوصاً میشنه و دو تلمود بزرگ آن، در بردارنده تعالیم حکمای یهودی از قرن اول تا ششم میلادی‌اند. مجموع تمامی اینها، تورات شفاهی وحی شده به موسی در سینا را - که هم اکنون مکتوب است - تشکیل می‌دهند.

معبد اورشلیم، جایی که در آن برای خداوند قربانی می‌شد، کانون یهودیت خمسه ای (Pentateuchal Judaism) بود و دیوارهای بلند جدایی میان یهودی و «غیر» را تبلور می‌بخشید. اما در سال ۷۰ میلادی، در خلال جنگی میان یهودیان برضد حکمرانی رومیان، اورشلیم سقوط کرد و تمامی معبد، جز دیوار غربی صحنی که معبد بر آن بنا شده بود، ویران شد. شورش دیگری در خلال سالهای ۱۳۲ تا ۱۳۵

میلادی برضدرومیان صورت گرفت که آن نیز به شکست انجامید. در واقع یهودیان انتظار داشتند که همچون ویرانی معبد در سال ۵۸۶ ق. م. و بازسازی آن پس از سه نسل، خداوند پس از گذار سه نسل از ویرانی دوباره معبد در سال هفتاد دوباره امکان ساخت معبد در اورشلیم را فراهم آورد. اما پس از شکست بدتر در سال ۱۳۲ که معبد همچنان بر ویرانه‌های خود باقی ماند و اورشلیم شهر ممنوعه برای آنان شد، یهودیان ضرورتاً به همگون شدن با شکست ماندگار دست زدند. حکمای میشنه، یهودیتی بدون معبد و آیین‌های معبدی به وجود آوردند. آنان در میشنه نظامی از تقدس عرضه کردند که کانون آن قداست احبار، جشن‌های آیینی، معبد و قربانیهای آن، و مقرراتی برای حفظ آن قداست از آلودگی‌های سبکسری بود. آنگاه در حدود سال ۴۰۰ میلادی، حکمای یهود میشنه را مورد بازبینی قرار دادند و تلمودسرمزمین اسرائیل را عرضه داشتند. ۲۰۰ سال بعد، تلمود بابل موضوعات را در قالبی ثابت و مرجعیت گونه شکل داد. از آن زمان تاکنون «تلمود» یعنی تلمود بابل، همراه با تفسیرهایش، قوانین مشتق از آن و نظام‌های اجرایی مستقل مبتنی بر آن، زندگانی اکثر یهودیان و نیز آن نظام یهودی را که به عنوان معیار رواج داشته، تعریف کرده است.

**بخش ششم** نگاهی به تاریخ یهودیت می‌افکند. تاریخ یهودیت به چهار دوره تقسیم می‌شود. عصر معبد دوم از شکل‌گیری متون مقدس عبری در حدود (۵۸۶-۴۵۰ ق. م.) تا ویرانی معبد دوم (۷۰ میلادی)، عصر شکل دهنده از ۷۰ میلادی تا تلمود بابل (۶۰۰ میلادی)، عصر کلاسیک از ۶۴۰ میلادی (ظهور اسلام در خاورمیانه و شمال آفریقا) تا ۱۷۸۹ (انقلاب کبیرفرانسه)، و عصر جدید از ۱۷۸۹ تاکنون.

**بخش هفتم**، «یهودیت یهودکشی و نجات» (Judaism of Holocaust and Redemption) را تبیین و آن را با یهودیت تورات دوگانه مقایسه می‌کند. یهودیت یهودکشی و نجات، که در اواخر دهه ۱۹۶۰ پدید آمد، بر نابودی اکثر یهودیان اروپا توسط آلمان نازی (۱۹۳۳-۱۹۴۵) و بر پیدایش دولت اسرائیل (۱۹۴۸) متمرکز است و این حوادث را از رخدادهایی غیردینی و این دنیایی به نمادهایی خلاق از نسبت‌های اساطیری تبدیل می‌کند. این یهودیت از طرد و تعصب، نفرت و تحقیر سخن می‌گوید و از یهودیان می‌خواهد که خود را در اتاق‌های گاز تصور کنند. این امر، منطقی برای «یهودی بودن» و اساساً جدا از دیگران بودن بدست می‌دهد، منطق، این است که هیچ یهودی نمی‌تواند خود را به طور کلی شبیه دیگران فرض کند، چون تعریف یهودی این است که متفاوت باشد - تفاوت، هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد - یهودیت یهود کشی و نجات می‌گوید که هر روز نه در سنایی جدید، بلکه در ابرهایی از گاز سمی به پایان می‌رسد و نجات

همین امروز نیز می‌زید - اگر یهودیان آن را اراده کنند - اما نه در اینجا و نه هم اکنون. این یهودیت می‌آموزد که نه تنها باید خود را برای تقدس بخشیدن به زحمت انداخت، بلکه باید به شرایط موجود کنونی نیز اعتماد نکرد. پاسخ یهودیت یهودکشی و نجات به تمامی پرسش‌های اصلی یهودیان و راه حلی که برای آنان ارائه می‌کند دولت اسرائیل است؛ جایی که یک یهودی سرانجام باید بدان درآید. تقریباً تمامی یهودیان آمریکا نه فقط از دولت اسرائیل حمایت و پشتیبانی می‌کنند، بلکه «یهودی بودن» خود را وابسته به معنایی می‌دانند که به این دولت نسبت می‌دهند.

**بخش هشتم**، به چگونگی کارایی یهودیت در جهان امروز می‌پردازد. یهودیت، اعیاد و مراسمی دارد که موجب حیات و شادابی آن در سراسر جهان است. تقویم یهودیان تقویمی قمری است که تقویم شمسی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و مجموع ماهها را با اعتدالین بهاری و پاییزی مرتبط می‌سازد. مهمترین ماهها نیشان (Nisan = نخستین بدر پس از اعتدال بهاری) و تیشری (Tishri = نخستین بدر پس از اعتدال پاییزی) اند و مهمترین روزها عید فصیح (Passover = از آغاز بدر نیشان) و عید خیام (Sukkot = جشن خیمه‌های مقدس در بدر تیشری). رش هشنه (Rosh Hashanah = عید سال نو، که به یادبود خلقت جهان به وسیله خداوند جشن گرفته می‌شود) و یوم کیپور (Yom Kipur) روزهای توبه و کفاره یهودیانند.

نوسر در این بخش به تشریح اعیاد و مراسم یهودیان، از جمله مراسم ازدواج آنان، می‌پردازد.

**بخش نهم**، در واقع بخش نتیجه‌گیری است و یهودیت را به عنوانی دینی زنده، قدرتمند و موفق مطرح می‌کند. دلیل آن این است که الگوی خلاق شکل داده شده در تورات موسی یا اسفار ختمه پرسشی مطرح می‌کند و بدان پاسخ می‌دهد، مشکلی می‌آفریند و آن را حل می‌کند و این پرسش و مشکل با آن دنیای اجتماعی که مردم درک می‌کنند، همخوانند؛ بدین معنی که یهودیان زندگی خود یا یکدیگر را نه امری مسلم و مطلق بلکه هدیه‌ای مقید و مشروط به اوضاع و احوال می‌بینند. این امر تا حدی موجب تشویش و نگرانی می‌شود که البته برای یک گروه اقلیت که خود را متفاوت می‌داند طبیعی است اما تورات می‌آموزد که غیریت یهودیان، سرنوشت آنان است: جدا بودن در اینجا و اکنون است، رستگاری در آخرالزمان خواهد آمد. بنابراین نگرانی یا عدم آسایش مبتنی بر غیریت به احساسی خوب و امیدوارانه تبدیل می‌شود. چیزها اکنون معنایی عمیق دارند، و ما در آینده حتی بیش از این اهمیت خواهیم یافت.

### یادداشت:

۱. یاکوب نوسر، استاد مطالعات دینی در دانشگاه فلوریدای جنوبی و عضو مادام‌العمر کلر هال دانشگاه کمبریج (Cambridge University, Clare Hall)، است. او در سالهای ۶۹-۱۹۶۸ ریاست آکادمی آمریکایی دین را برعهده داشته است.

۲. این فصل کتاب، ۲۳ پی‌نوشت دارد و در پایان آن مطالعه ۱۲ کتاب برای اطلاع بیشتر در باب یهودیت توصیه شده است.

۳. همانگونه که ملاحظه می‌شود این بخش کتاب بیشتر نظریه یهودیت امروزی دارد و علی‌رغم اهمیت زیاد بحث در باب اصل پیدایش یهودیت و نیز عهد عتیق بدان نپرداخته است.